آموزه های مکتب

حسینی

حسین محمدی مبارز


بسم الله الرحمن الرحیم

آموزه های مکتب حسینی

نویسنده:

حسین محمدی مبارز

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آموزه های مکتب حسینی

مشخصات کتاب

نویسنده : حسین محمدی مبارز

ناشر: حسین محمدی مبارز

مقدمه

هر نوشته ای دارای مطلع و متن و مقطع است امّا حقیر کوشیدم که تقریباً هرصفحه این نوشته چنین باشد؛ به طوری که صدر و جوف و ذیل این سخنان حسین (ع) وعشق و نماز است در حالی که مطلع و متن و مقطع قیام و زندگی امام حسین (ع)، خدا بودو خدا بود و خدا.سخن در این وادی بسیار است و توفیق گفتن نیست از طرفی کم گفتن برای ماثواب است چون نمی دانیم چه بگوئیم با آن که سخن به لطف آب است کم گفتن هر سخن صواب است نظامی پس بنده بدین جمله بسنده میکنم که روی سخنم با عاشقان و دیوانگان است باعاشقان و دیوانگان خدای حسین (ع).با این که در نگارش هیچم ولی به لطف خداوند متعال با دست بسته و قلم شکسته این مقاله را تحریر نمودم

خورشید خونین

اشارت کرده پیغمبر از این ماه در آید نسل خورشید شبانگاه که یعنی ماه پیغمبر (ص) از آن روز مبدّل شد به خورشید شب افروزبه خورشید طبیعت گشته سرور از آن روزی که شد نور پیمبر (ص)پیمبر (ص) گفته بر آنان حسینم (ع) ز من هست و منم از نور عینم ولی فانوس احمد (ص) را شکستند چرا خورشید را بر نیزه بستند؟که چون در گوش دشمن می زند کوس به تاریکی و ظلمت گشته فانوس که چون باشد چراغ ناخدایان چه کس جز او شود کشتی طوفان به نامش ثبت گشته کشتی نوح نشیند نام مولا بر تن و روح حسین بن علی (ع) دریای دُرّ بود چرا بستند رویش آب یک رود؟کجا دیدی کنار رود پُر آب

بمانـد غنچه ای بی آب و بی تاب در آن جا عمّه باشد ابر ایمان که از دریای صبر آورده باران بجز زینب که باشد سـنبل صبر؟ که گیرد آب کوثر را کنـد ابرولی چشـمان زینب می شود تار که آمد بر گلوی لاله ای خارپرسـتار زمین کربلا گفت «چرا در ظهر عاشورا زمان خفت چرا شد آسـمان همرنگ لاله چه شد ناگه زمین زد زیر ناله چرا دریا به خون غلتیده رویش خدایا رود خون آمـد به سویش چرا دید زمین شد آسـمانی چه تیری کرده این مَه را کمانی !؟ندا آمد که عالم شد سـیه پوش شـنیدم نور زهرا گشـته خـاموش یقین زهرا دو عالم را سـتون است اگر لب تر کنـد کُن فَیَکون است فلک آغوش خود را می کنـد باز که چون سـرباز کوچک کرده پروازصدا زد محسن شـش ماهه از عرش بیا ای اصغر شش ماهه از فرش پدر مانند یک مادر کشید آه به آغوشم بیا فرزندِ شـش ماه به دور از چشم مادر کرده خاکش در آمد زیر سـنگ از خون پاکش اگر چشمان عالم پُر شد از اشـک به روی دشت خون افتـاده آن مشک گرفته دشت خون بوی گل یاس گمان دارم به خاک افتاده عباس زمین از خون پـاکش بـوده بیمه به غیر از این زمین می شـد دو نیمه اگر چه مـادرش اُم ّالبنین است عزیزی از امیر المؤمنین (ع) است سـکینه دیدگانش گشـته نم دار ولی مشـکی نیامد از علمدارعلمدار خدا دستش جدا شد چه غوغایی در آن صحرا به پا شدبه «هل من ناصـر یَنصُرِ» خـدایا در آور گوهری از دیگر ز دریاصـدایی آمـد از دریای پر دُرّ خـدا نامت نهاد آزاده ای حُرّ که اشـکت بوی زهرا کرده

ابراز برو در آب کوثر خانه ای سازهر آن چشمی که بر زهرا شود خون رود گلگون نباشد مرده دون زمین لرزان شد و ناگه بجوشید شده گرما فزون کآمد دو خورشیدیکی خورشید گرمازای زَرگون یکی خون خدا خورشید پُر خون اگر شق‌ّالقمر در آسمان شد به روی نیزه ها خورشید عیان شدبه روی نیزه خورشیدی فراز است که گوید راز این خون ها نماز است و گوید حق و باطل را شناسید حسین و شمر قاتل را شناسیدکه ناید روز عاشورای دیگر نباشد نیزه در قرآن و در سرچو حامد منتظر باشم شب و روز که آید مهدی (عج آن شمس شب افروزالَسّـلام عَلی الحُسین و عَلی عَلی‌ّبن الحسین و علی أولاد الحسین و عَلی أصحاب الحسین (ع)«این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست گویند خلایق که به دیوانه قلم نیست من گشتم و دیوانه توکلت علی الله«حاج رسول خیابانی «هر که عاشق خدا شد معشوق مردم می شود» و هر که عاشق حسین شد معشوق خدا می شود.همیشه دیده اید و یا شنیده اید که دریا تشنه رود است حسین (ع) بن علی رودی است که متّصل به چشمه کوثر است و دریای عظیم تشنگان عاشق تشنه حسین اند.حسین نیز تشنه چشمه ای است که چشمه کوثر تشنه آن است و آن چشمه جوشان بی پایان نور چشم پیغمبر (ص) است یعنی نماز.عاشقان با ذهن خود قایقی بسازید و در دریای دل بیندازید تا با شما سخن گویم همیشه شنیده اید که دریا در هوای طوفانی متلاطم و کشتی در آن هنگام در خطر است وکشتیبان ترسان از طوفان مخوف حال کشتی حسین را

بنگریـد که چگونه است این کشتی در هوای طوفانی اسـتوار است و نیز ناجی غریق حتی دریا به کشتی حسـین پناه می آورد و طوفـان هم بـا دیـدن آن آرام می گیرد. کربلا در چشم عاقلان خشـک و بی آب بود، ولی در چشم عاشـقان دریا بود، دریای عشق کشتی حسـین به کربلا رسـید و لنگر انداخت عاشـقان سـنگر ساختند، دشـمنان تاختند، ولی باختند. می خواستند عشق را شکست دهنـد، در حـالی که عشق آنها راشـکست داد.و با ذّلت و خفّت مغلوب عاشـقان شدنـد. فاسـقان آب به روی عاشـقان بسـتند، ولی آبروی خود بردند و چهره پلید یزید را نمایان کردند. در حالی که سیمای حسین (ع) خورشید تابان شد، حتی نور تابنـده حسـین از روزنه های باریک خانه تاریک یزیـد هم گـذشت و بر چهره فرزنـدش تابیـد و او را بیـدار کرد و فرزند یزید یکی از منادیان مظلومیّت آن شـهید شد.عجب از عشق که چه ها می کند.همیشه شـنیده اید و شاید چشـیده اید که آب دریاها شور هست ولی دریای حسین (ع) شور عشق دارد. همیشه دیده اید و یا شنیده اید که تمام دریاها روی زمین هست و نمک در آن فراوان ولی دریای حسـین (ع) در فلک است و ملک در آن فراوان گاهی شـنیده اید که کشتی به گل می نشیند و ساحلش گِل است ولی کشـتی حسـین به دل می نشـیند و سـاحلش دل است عرشه اکثر کشتی هـا از چوب است و مرطوب ولی عرشـه کشتی حسـین عرش خداست خدای محبوب کشتی حسـین بی همتا است زیرا ناخدای آن خداست ناخدایان را کیاست اندکی است نا خدای کشتی امکان

یکی است پروین اعتصامی حتماً شنیده اید که در کف دریا صدف است و گاهی در آن مروارید، امّا در اقیانوس حسین (ع)، صدفی است که شرف دارد بر تمام صدفهای سپید، صدفی که هر گاه لب می گشود، عقل و هوش می ربود. در صدف دریا چیزی نیست جز مروارید ولی در صدف حسین چیزی نیست جز علی (ع). نگه دارنده مروارید دریا کیست جز انسان نگه دارنده مروارید حسین (ع) کیست جز آن بلی نگه دارنده علی (ع) و راه او خداوند است وقتی صدف دریا را باز کنیم صدایی از آن نمی آید، امّا صدف حسین را که باز کنیم صدای اذان از آن می آید.هر صفت خوبی که در دریای هستی موجود است در حسین (ع) بود. او اقیانوس سخای وجود بود. کوفیان می گفتند که او محتاج یک رود بود، آیا این گونه بود؟ در حالی که آن رود، مشتاق او بود. رود فرات تشنه مرد دیگری نیز بود. کسی که ماه روی و نکو روی و نکو خوی بود. کسی که برای خاندان عشق شاخه ای از گُل ِیاس بود، در دلش سوره ناس در وفا داری الماس برای علف های هرزه داس و برای شرم و حیا لباس آن که بود، جزعبّاس (ع)؟عبّاس (ع) چو لب٥تشنه روان شد لب آن رود لب های تمام چشمه ها تشنه او بود«مؤلف شنیده اید که در دریای کربلا باطلان و قاتلان جلوه داشتند و روی دریا، مانند خزه ها مانع می شدند از عبور نور خورشید. ولی عاشقان در زیر دریا می درخشیدند، مانند مروارید. چه زیبا سروده نا کسی گر

از کسی والا نشیند عیب نیست روی دریا خز بروید زیر دریا گوهری پیغمبر (ص) خدا فرمود:اِنَّ الحُسین ... مصِباُح هدی وَ سَفینه نجاه همانا حسین (ع) چراغ هدایت و کشتی نجات است »تمام چراغ ها عادی هستند و روشن کننده محفل ولی چراغ حسین چراغی است هادی و روشن کننده دل حسین بن علی الگوی ایثار و شهامت با عزّت در مقابل ذّلت ایستاد و سرش برادرش اکبرش و اصغرش و یاران وفادارش را از دست داد تا اسلام باعزّت زنده شود، ریشه ذّلت کنده و سوزانده شود، در گوش عالم امر به معروف و نهی ازمنکر طنین انداز شود، شام شرمنده و کوفه سرافکنده گردد، تیغ سخن اسراء بُرنده شود، طوفان بلا بر سر دشمنان توفنده عاشورا تا ابد پاینده و شکوفه های درخت نماز پر ازخنده شود. چنین هم شد و با آمدن محرم نیز نوری در دل ها و منزل ها و محفل ها روشن می شود. با آمدن عاشورا ذوق شاعران و نویسندگان در بوستان و گلستان نظم و نثرمی شکفد و شور و شوقی در دل عاشقان به پا می شود.محرّم گر چه غمناك است و ما در آن عزاداریم ولی خندان که چون بر شاه مردان ما وفا داریم مولف آری وفا داریم و با جان و مال و اموال خود، چون صدف از هدف حسین (ع) محافظت می کنیم خود آن حضرت فرمود: «اَجْوَدُ النّاس ِ مَن ْجادَ بِنَفسِه ِ وَ مالِه ِ فِی سَبیل الله،سخی ترین مردم کسی است که جان و مال خود را در راه خدا ببخشد».قال الحسین «انّی لَم ْأَخْرُج ْأَشِراً وَ لا بَطَراً و لا مُفْسِداً وَ لا

ظالِماً وَ انَّما خَرَجْت ُلِطَلَب ِالْاصْلاح ِفی أَمَّه ِجَدِّی أرُید أَن ٥آمُرَ بِالْمَعرُوف ِوَ أَنْهی عَن اْلُمنْکَرِ وَ أَسیرَ بِسَیره جَدّی وَ أَبی عَلِی ِّبْن ِأبی طالِبٍ ؛ من از روی خود خواهی و خوش گذرانی و یا برای فساد وستمگری قیام نکردم من فقط برای اصلاح در امّت جدّم از وطن خارج شدم می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره و روش جدّم و پدرم علی بن ابی طالب عمل کنم »پس هدف از قیام امام این بود:۱- اصلاح امّت پیغمبر؛۲- امر به معروف و نهی از منکر؛۳- تحقق سیره و روش پیغمبر و حیدر.حسین بن علی به لشکر شقی و نامرد رو کرد و گفت «اگر دین ندارید، لااقل آزاد باشید و جوان مرد»«یا شَیَعَه آل أَبی سُفْیان َان ٥لَم ٥یکن لَکُم ٥دین ٌوَ کُنْتُم ٥لا َتَخافُون َالْمَعادَ فَکُونُوا أَحْراراًفی دُنْیاکُم وَ ارْجِعُوا الی أحْسابِکُم ٥ان ٥کُنْتُم عَرَباً تَزْعَمُون؛ ای پیروان خاندان ابوسفیان اگر دین ندارید و از روز قیامت نمی ترسید، لااقل در زندگی دنیاتان آزاد مرد باشید و اگر خود را عرب می پندارید، به نیاکان خود بیندیشید.»در جهان نتوان اگر مردانه زیست همچو مردان جان سپردن زندگیست اقبال لاهوری خون حسین (ع) بر زمین ریخت و باطل را از حق گسیخت و احساس گناه را دروجدان مسلمانان بی وفا بر انگیخت آه آه اختیار قلم را از دست داده ام و این قلم است که دیوانه وار از عشق حسین (ع) به این سوی و آن سوی می چرخد و می گرید و حرف دلش را به روی کاغذ برف گونه و سپید

می آورد. قلم نیز در عزای حسین سیه پوش است ودر عزای حسین (ع) خانه ها نیز سیه پوش هست خدایا چه رازی است که با آمدن محرّم با آمدن بوی عشق کوی خود را گم می کنیم و سیه پوش و دیوانه وار مدهوش حسین می شویم ما عاشق او هستیم و او عاشق نماز.امام حسین (ع) ونمازامام حسین (ع) فرمود:«اِنّی اُحِبُّ الصَّلاهَ؛ من نماز را دوست می دارم »نماز رازی است که اگر خود پرستی را رها کنیم بی شک راز خدا پرستی نماز بر ما آشکار می شود.پیامبر گرامی (ص) فرمود: «الصَّلاهُ برهان نماز، دلیل روشن و آشکاری است »نمازی که دلیل آشکار است کلید جنّتِ پروردگار است مؤلف در اهمیّت به پاداشتن نماز همین بس که در ظهر عاشورا نماز را در حضور خداوند رحمان مرد ایمان همراه یاران در آن تیر باران به پا داشت نماز، سکّان کشتی حسین (ع) که از جنس طلاست هیچ گاه کهنه نمی شود و ارزشمند است و تازگی دارد. همان گونه که کشتی حسین در حال حرکت است نماز عشق نیز ما را به حرکت در می آورد و برکت می آورد و هر چه پیش تر می رویم نور نماز بیشتر می شود.رسول الله (ص): «الصّلاهُ نورٌ؛ نماز، نور است »نمازی که در آن عشق نباشد، یادی از معشوق هم نیست و ما را به سوی نور سوق نمی دهد و در حالت سکون باقی می گذارد. و فانی می شویم و اگر به نماز با دید کهنگی بنگریم با سستی به نماز می ایستیم و هر گاه با کاهلی و سستی نماز خواندیم بی تردید از کشتی حسین

خارج شده ایم کشتی حسین (ع) همیشه در حال حرکت است زیرا روز وشب نمی شناسد. حال که قلم چرخید و نام شب از جوهر شبرنگ قلم بیرون آمد، از شب می گویم از شب از شب عاشورا، چه لیله القدری بود! شوری در خیمه ها به پا بود. هر که درگوشه ای مشغول معاشقه با معشوق بود و در دریای دلش با قایقی کوچک به پارو زدن مشغول و قوّت هر پارویش ذکریا حسین (ع) بود. در آن شب همه مشغول عبادت بودند.ژاله از شب زنده داری جلوه زیبا گرفت جلوه زیبا اگر خواهی ره شب را طلب راسخ تهرانی در آن شب نوری از خیمه ای چشم را نوازش می کرد. خوب که دقّت می کردی نورشمعی بود که می سوخت امّا تمام نمی شد و صبورانه اشک می ریخت در آن تاریکی ازروزنه باریکی نور او، کربلا را روشن کرده بود. آن شمع هیچ گاه خاموش نمی شود و با هیچ آتشی تمام نه با آتش کین دشمن و نه با خیمه آتش زدن او شمعی است سوزان امّاجاودان درست است که او با آتش غربت شامیان و کوفیان سوخت ولی جاودان ماند.شمعی که پروانه ها به دورش تا روز حشر می چرخند و درس صبر در سوختن را برای ساختن می آموزند شمعی که با اشک خود، مشک چشم عاشقان حسین (ع) را پُر کرد. شمعی که حُرّ را دُر کرد. و تشنگی را از کودکان دور. در وصف شمع باید سوخت تا سخن گفت آه آن شمع کیست ساختارش از چیست آری زینب و ساختارش از نماز.«کربلا در کربلا می ماند اگر

زینب نبود.»ای عاشقان اینک به آسمان بنگرید، همیشه شنیده اید و دیده اید که بال پرندگان گاهی اوقات خسته و بسته می شود، اما پرنده ای در آسمان عشق می پرد که از شاخه ای درخت سیب باغ عاشورا به آسمان رفته است و بالش خسته و بسته نمی شود و رسته است و سر دسته ۷۲ پرنده ولی دل شکسته نگاه کنید به اجزای بدن این پرنده بال راستش عشق و بال چپش عقل پرهایش به رنگ سبز، در دلش سوره فجر و در سینه اش گل یاس او پرنده ای منحصر به فرد و پر از درد، او با تمام پرندگان فرق دارد، پرندگان سردارند و او سر ندارد. سرش از تن آزاد است و پرواز می کند و در فراز آسمان آواز نماز سر داده که راز پروازش خداست قال الصادق (ع):«سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحبتان بخوانید، زیرا که آن سوره حسین بن علی است و در آن رغبت کنید، خدای شما را رحمت کناد.«ابواسامه که در مجلس حضور داشت پرسید: از چه روی این سوره خاصّ حسین (ع) باشد؟ فرمودند: آیه (یا ایَّتُها النَفس ُالمطَمئنّته - ارجعِی اِلی رَبِّكِ راضیَه مَرضیه ً- فَادخُلی فی عبادی وَادخلی جَنّتی را نشنیده ای !جز این نیست که حسین بن علی را اراده کرده است او صاحب نفس آرمیده خشنود و پسندیده است و اصحابش از آل محمد: خشنود شوندگان از خدای در روز قیامتند، و او نیز از آنان راضی است این سوره خاصّ حسین بن علی شیعیانش و شیعیان آل محمّد آمده است هرکس در قرائت آن (سوره فجر) مداومت ورزد، با حسین در

درجه اش در بهشت خواهد بود. همانا، خداوند عزیز و حکیم است .قال الصادق (ع): «مَن ٠أرادَ الله بِه ِالَخْیرَ، قَذَف َفی قَلْبِه ِحُب َالحُسَ ین ٠(ع) وَ حُب َزیارَتِه ؛ِ هر که خدا خیر او خواهد، دوستی حسین (ع) و علاقه به زیارت او را در دلش اندازد.»دوست داشتن حسین (ع) و اهل بیت خوش بختی دارد، اما دوست داشتن غیر حسین (ع) سختی آرد. خواجه عبداللّه انصاری گوید:«دل در خلق مبند که خسته شوی دل در حق بند که رسته شوی دوستی با هر که کردم عاقبت قلبم شکست تکیه بر دیوار مردم خاک بر پشتم نشست حال که از جوهر تیره قلم نام خاک بیرون آمد، از خاک می گویم هر کسی بر روی خاک بنشیند، بر او خاک می نشیند و غمناک می نشیند. اما به پیشانی کسی خاک پاک کربلا نشیند، بر کرسی افلاک می نشیند. صائب تبریزی گوید:«زیر سقف آسمان خاکی که از روی نیاز می توان مُرد از برایش خاک پاک کربلاست هر خاکی تیره و سیاه است اما در خاک حسین نور ماه است که آن هم در سجدگاه با توفیق الله دیده می شود. همو می گوید:«در خاک تیره دیدن نور صفا کمال است هر طفل می تواند مَه را در آب دیدن هیچ مُهری نیست که برای همه چیز، کار ساز باشد اما مهر کربلاء برای همه چیز کارساز است و موجب تأیید نماز.همو گوید:« گر بود مُهر سلیمان چند روزی معتبر تا قیامت سجدگاه خلق مُهر کربلاست »حسین بن علی با چشم دل به خدا می نگریست و به آثار خدا پی می برد. اما دیگران با چشم ظاهر به آثار خدا می نگرند و به

وجود خدا پی می برند.

ناخدای عشق

دیگران با دیـدن آثار او پی به او ببردنـد و آیا این بجاست با نگاه از چشم دل بر نور محض پی به مخلوقات حق بردن رواست درک دریـا هم نباشـد کـار مـا غرق در دریـای عرفان کار ماست در عبور از بحر عرفان تا به عرش عشق کشتی هست و عاشق ناخـداست مولف به راستی چرا با حسـین (ع) چنین کردنـد. او که برای مؤمنان آئینه بود، کشـتنش جز کینه چه بود؟«حافظ در زلف چون کمندش ای دل مپیچ کآن جا سرها بریده بینی بی جرم و بی جنایت خدایا! آیا توفیق یاری حسین را نداشتم که آن زمان در رکاب او باشم و به «هَل ٥مِن ٥ناصِـِر یَنْصـرنی او لبیک گویم پیوسـته به گوشم این ندا می آید گویا زگلوی نی نوا می آیـدآواز غریبانه «هَل ٥مِن ٥ناصِـِر» از حنجر سـرخ کربلا می آیـدآه تقدیر من این بوده که در این زمان متولد شوم ای کاش در کربلا بودم و با آنان به درجه عظیم شـهادت می رسیدم کاش آن زمان که کشتی آل نبی شکست عالم تمام غرقه دریای خون شـدی محتشم کاشـانی امـام رضا فرمود (ع): یا بْن َشَبیب ٍ ان ٥سَـِرَّک َأن ٥یَکُون َلَک َمِن َالثَّواب ِمِثْل ُما لِمَن اَسْتُشـهِدَ مَع َالحسین (ع)، فَقُل ٥مَتی ما ذَکَرْتَه ُ: «یا لَیَتنی کُنْت ُمَعَهُم ٥فَأفُوزَ فَوْزاً عَظیماً»ای پسر شبیب اگر خوش داری که برای تو مثل ثواب آنان که با حسـین (ع) به شـهادت رسـیده اند باشد پس هر گاه آن حضرت را یاد کردی بگو: «یا لَیَتنی کُنْت ُمَعَهُم ٥فَأفُوزَ فَوْزاً عَظیماً».نمی دانم اسرار این حرکت عظیم چه بوده که سال های سال است

ذهن تشنه عاشقان و عاقلان سیراب این حرکت ناب نمی شود. روزی محتشم کاشانی اظهار می دارد که حضرت فاطمه الزهرا ۳ را در خواب دیدم که مرا فرمود: تو که بدین نیکویی مرثیه می سُرایی چرا در ماتم فرزند من خاموش مانده ای از آن روی این مرثیه را ساختم

بارگاه قدس

باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است در بارگاه قدس که جای ملال نیست سرهای قُدسیان همه بر زانوی غم است

مومنین اندکند

حتماً شنیده اید که آنان اندک بودند و کم شب ها همدم هم روزها مرهم زخم پس چه جای غم چون آنان کم کم به لحظه دیدار خدای لاـ شریک نزدیک می شدند.قَال َالله الحَکْیم فْی کِتابِه ِ الکَریْم (یَا أَیُّهَا النَّبِی ُّحَرِّض ِ الْمُؤْمِنِین َعَلَی الْقِتَال ِ ان یَکُن مِنکُم ْعِشْرُون َصَابِرُون َیَغْلِبُوا مِاْئَتَیْن ِ وَان یَکُن مِنکُم ْمِاْئَه ٌیَغْلِبُوا أَلْفاً مِن َالَّذِین َکَفَرُوا بِاَنَّهُم ْقَوْم ٌلاَیَفْقَهُون َ)ای رسول مؤمنان را بر جنگ ترغیب کن که اگربیست نفر از شما، صبور و پایدارباشید بر دویست نفر از دشمنان غالب خواهند شد و اگر صد نفر بوده بر دو هزار نفر کافران غلبه خواهند کرد، زیرا آنها گروهی بی دانش اند.قال الحسین (ع): «ان الناس عبید الدنیا والدین لعق علی السنتهم یحوطونه مادرت معائشهم فاذا محصوا بالبلاءِ قل الدیانون همانا مردم زیادی بندگان دنیا و دل باختگان به متاع آن هستند و با دین تا آن حدی بستگی و علاقه دارند که زندگی خوشی داشته باشند، ولی زمانی که با گرفتاری آزمون گردند دین داران در اقلیت قرار خواهند گرفت .واقعه کربلا صاعقه بلا بود، بر سر اشقیا. بزرگ ترین حادثه و رُخداد، بزرگ ترین رویداد و جهاد توسط فرزند عدل و داد در کربلا اتفّاق افتاد.«وَ ان ْتَکُن اِلْأَ بْدان ُلِلْمَوْت ِ أُنْشِأَت ْفَقَتْل ُ اْمِرءٍ بِالسَّیْف ِفِی اللّه ِ أَفْضَل ُ»«امام حسین (ع)»«و اگر بدن ها برای مرگ آفریده شده است پس کشته شدن مرد در راه خدا چه بهتر».حوادث

کربلا قابل قیاس با حوادث دیگر نیست به عنوان مثال خداونـد جلیل به ابراهیم خلیل در مورد فرزندش اسـماعیل پیامی داد که او را به جایی برد و جانش بستاند. پس از مدّتی از خداوند پیام آمد که تیغ در نیام رود، امّا در آن قیام امام کودک تشـنه کام را از خیمه ها به طرف لشـکر سام برد، که پس از چنـد کلام ناتمام ناگه تیری از یک خون آشام به کام طفل امام خورد و امام هُمـام دسـتش را چو جـام پُر از خون کودک کرد و فرسـتاد به سوی آسـمان روی بام و طفل خوش نام را گام به گام به سوی خاک سـیه فام برد و به خاک سپرد. انتقام خون امام (ع) با خداوند است والسّـلام او بود خون خداوند و خدایش خون بهاست هیـچ کس را در بَر حق این جلالـل و جـاه نیست صـغیر»رازهای نگفته و نهفته و نشـکفته کربلا فراوان استماننـد رازهای نهان خداونـد جهان و من در این میان حیران و نادان هیـچ کس از سّـِر شاه کربلا آگاه نیست هم چنان که هیچ کس آگه ز سّـِر الله نیست صغیر»

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹